

کاوش راهکارهای اثر گذار بر طراحی مجموعه های اقامتی شهر قزوین با تکیه بر اصول معماری بومی

سارا شریعتی^۱، سارا رحیمی خوئی^۲

^۱ استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.

چکیده

در این پژوهش، ما به کاوش راهکارهای اثرگذار بر طراحی مجموعه‌های اقامتی شهر قزوین با تکیه بر اصول معماری بومی می‌پردازیم. هدف اصلی این است که با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و محیطی شهر قزوین، فضاهای تفریحی را طراحی کنیم که هم با هویت بومی این شهر هماهنگ باشند و نیازهای تفریحی و اجتماعی ساکنان و بازدیدکنندگان را برآورده کنند. از جمله اصول معماری بومی که می‌توان در طراحی این فضاها به کار گرفت، می‌توان به استفاده از مصالح بومی، طراحی بر اساس اقلیم و شرایط طبیعی منطقه، و الهام‌گیری از الگوهای سنتی معماری قزوین اشاره کرد. همچنین، در نظر گرفتن فضاهای سبز، طراحی مسیرهای پیاده‌رو و دوچرخه‌سواری، و ایجاد فضاهای جمعی برای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی از دیگر موارد مهم در طراحی مجموعه‌های تفریحی است. با توجه به تاریخ غنی و فرهنگی قزوین، می‌توان از عناصر معماری تاریخی این شهر در طراحی فضاهای تفریحی الهام گرفت. برای مثال، استفاده از عناصر تزئینی سنتی، طراحی بر اساس الگوهای باغ‌های ایرانی، و ایجاد فضاهای سرپوشیده و نیمه‌باز که در معماری سنتی قزوین دیده می‌شود، می‌تواند به ایجاد فضاهای تفریحی با هویت بومی کمک کند. در نهایت، هدف از این کاوش، طراحی فضاهای تفریحی است که نه تنها نیازهای تفریحی و اجتماعی ساکنان را برآورده کند، بلکه به عنوان نمادی از هویت فرهنگی و تاریخی قزوین نیز عمل کند. با ترکیب اصول معماری بومی با نیازهای مدرن، می‌توان فضاهای تفریحی ایجاد کرد که هم برای نسل کنونی و هم برای نسل‌های آینده ارزشمند باشد.

کلمات کلیدی: گردشگری، معماری بومی، مجموعه اقامتی - تفریحی، شهر قزوین

مقدمه

ارتباط گسترده معماری در رابطه با صنعت گردشگری در وهله اول به شکل مجموعه‌های اقامتی-تفریحی نمود می‌یابد. با کمی اغراق می‌توان گفت استقرار اغلب مجموعه‌های اقامتی موجود در کشور به دلیل اقتصادی، تاریخی، مذهبی، تفریحی و ... در مجاورت عنصر جذب‌کننده گردشگر می‌باشد و شاید مجموعه‌ای تفریحی-اقامتی داخل کشور نباشد که به دلیل ذات وجودی خود هدفی برای جذب گردشگر شود. عمده انتظارات توریست‌ها از یک مجموعه اقامتی-تفریحی محدود به سطح ارائه خدمات آن‌ها می‌شود و کمتر بنایی به علت نوع طراحی، ایجاد فضاهای خلاقانه و دیگر ویژگی‌های یک معماری خوب جذب توریست کرده باشد. (سلطانی و فروزنده، ۱۳۹۳) معماری بومی هر منطقه گنجینه‌ای ارزشمند برای آن منطقه محسوب می‌شود که عدم توجه به آن سبب از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی است جذب گردشگر از جمله امکاناتی است که توجه به معماری بومی در پی خود دارد که در نهایت منجر به پایداری اقتصادی شهرها و روستاها و توسعه آنها می‌گردد. این تحقیق دستیابی به الگوهایی برای ارتقا رابطه مجموعه اقامتی و صنعت توریسم می‌پردازد (عبوری و نگارستان، ۱۳۹۴).

نگاهی به تاریخچه میهمانسراها و فضاهای اقامتی دوران پیشامدرن، به خوبی مشخص می‌کند که در آن دوره این فضاها همساز با الگوهای بومی منطقه‌ای خود و همبسته با خلق ناخودآگاه یک مکان اصیل وجود داشتند. حال آن‌که در دنیای مدرن، هتل‌ها و مسافرخانه‌ها نیز با تولید انبوه از مکان بودن فاصله گرفتند. با این نگاه، برای دستیابی به اصالت سکونت در یک منطقه، باید در فضایی سکنا پیدا کنیم که این خصوصیات را در خود متبلور کرده باشد و معماری بوم‌گرا به خوبی این خصلت را نمایان می‌کند. از طرفی، هایدگر سکونت کردن را در خدمت معنا دادن به زمین مطرح می‌کند و می‌توان با همین اعتبار از معماری ساختمان اقامتی به مثابه یک اثر هنری برای تعریف منطقه سود جست. اثری که همچون یک « شیء » جهان اطراف را گرد خود می‌آورد و مانند نقطه‌ای ثقلی محیطش را تعریف می‌کند. بدیهی است که استفاده از الگوهای بوم‌گرا و منطقه‌گرا این تعریف را هر چه بیشتر یگانه و منحصر به فرد می‌سازند. با تحلیل‌های فوق لزوم استفاده از الگوهای منطقه‌ای در معماری اقامتی توجیه می‌شود و بر همین اساس، این پژوهش بازگشت به روش‌های بوم‌گرا را برای این معماری مناسب می‌داند (پازوکی، امیرکلانی و جعفری، ۱۳۹۵).

بر همین اساس توجه به گردشگری اهمیت بسزایی دارد. به‌طور کلی صنعت توریسم از دو جهت دارای اهمیت است: اولاً موجب آشنایی مردم با دیگر فرهنگ‌ها، نژادها، اقوام، سرزمین‌ها، گویش‌ها و ... می‌شود و ثانیاً از نظر اقتصادی یکی از منابع مهم درآمد و ارز و نیز ایجاد اشتغال محسوب می‌شود که امروزه جنبه اقتصادی آن بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. گردشگری در بسیاری از کشورهای بزرگ و کوچک جهان، از بزرگ‌ترین و سودآورترین صنایع آن کشورها است. آمارها نشان می‌دهد ۱۱ درصد نیروی کار در کشورهای توسعه‌یافته در بخش توریسم فعال بوده و سالانه ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار درآمد از این راه نصیب این کشورها می‌شود. جهانگردی یکی از مطمئن‌ترین، پاک‌ترین و ارزان‌ترین منابع کسب درآمد ارزی است. آگاهان اقتصادی معتقدند گردشگری بخشی از مجموعه عظیم اقتصاد است که در حد بسیار زیادی با رگه‌های فرهنگی گره خورده است.

هنگامی که معماری از دیدگاه گردشگری بررسی می‌شود، می‌توان دو نقش اساسی برای معماری در گردشگری در نظر گرفت:

۱. معماری به‌عنوان یک لازمه در صنعت گردشگری ۲. معماری به‌عنوان یک جاذبه در صنعت گردشگری. تأسیسات و زیرساخت‌های گردشگری است. توسعه گردشگری نیاز به زیرساخت دارد و عمدتاً در قالب تأسیسات اقامتی، خدمات، حمل و نقل و امکانات عمومی تعریف می‌شود. مسافرت و اقامت در مکانی غیرمحل متداول زندگی فرد بر طبق تعریف اساس گردشگری به شمار می‌رود. بنابراین فراهم کردن وسایل حمل و نقل و تأسیسات اقامتی از اجزا اصلی برنامه‌های توسعه گردشگری هستند از این عوامل

به عنوان عوامل ثانویه در صنعت گردشگری یاد می شود. گردشگران به وسیله جاذبه های گردشگری به یک منطقه جذب می شوند و پس از آن این زیرساخت های گردشگری اند که باید پاسخگوی نیاز مسافران باشند. بعد از نیازسنجی، جابایی، تعریف کارکرد و بسیاری از موارد دیگر در حوزه ی علم جغرافیا و گردشگری است، مبحث طراحی و ساخت بنای این تأسیسات مطرح است. در اینجا است که معماری مانند سایر بخش ها به کمک صنعت گردشگری آمده و در ساخت و کاربرد هرچه بهتر این بناها نقش بازی می کند.

با توجه به کاهش فضاهای اقامتی و بوم گردی و حتی اقامتی به عنوان هتل در شهر قزوین وجود دارد. این یک شاهراهی برای رسیدن به منطقه شمالی کشور از قسمت جنوبی تا قسمت شمالی، این مسیر یک مسیر میان راهی است. موضوع اقلیم در بحث توسعه پایدار، از مباحث اساسی و تعیین کننده می باشد. با مطالعه ساختمان های بومی در هر اقلیم، به روشنی این نکته حاصل می شود که تمامی ساختمان های بومی، کاملاً بر اساس اصول اقلیمی و در جهت استفاده حداکثر از انرژی های طبیعی و مقابله با سرما و گرمای آزاردهنده، طراحی و ساخته شده اند که این امر به طور کامل با فرهنگ مردم هر منطقه همسو بوده و معماری بومی و بوم آورد تعریف شده.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش رسیدن به راهکارهای اجرایی برای طراحی مجموعه تفریحی گردشگری در جهت تقویت معماری بومی و سنتی و تضمین استفاده از صنعت گردشگری در راستای منافع جامعه ی محلی محسوب می شود. توجه و حفظ ارزش های فرهنگی و بومی و ایجاد بستر مناسب جهت ترویج فرهنگ بومی منطقه از منظری نمادین، هدف دیگر این پژوهش است.

پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان پژوهش	سال	نویسندگان	سئوالات پژوهش	نتیجه گیری
۱	طراحی مجموعه تفریحی گردشگری با رویکرد معماری بومی در راستای توسعه گردشگری (نمونه موردی: شهرستان ساری)	۱۳۹۵	- حامد - پازوکی - ابراهیم - امیرکالیی - امین - جعفری	۱- چه عواملی در کنار پتانسیل های طبیعی، سبب جذب هر چه بیشتر گردشگر می شود؟ ۲- چگونگی اثرگذاری کاربری تفریحی گردشگری در حفاظت از معماری بومی. ۳- تحولات مختلف اقتصادی و اجتماعی و سیاسی قرن نوزدهم و بیستم چه تأثیر عمیقی در توسعه سیاحت گردشگری در تقویت معماری	عوامل اقتصادی، اجتماعی - گردشگری، ایجاد تسهیلات مناسب گردشگری و تأمین تأسیسات پذیرایی بریا گردشگران مؤثر می باشد. ساختمان تفریحی گردشگری با توجه به ماهیت اقامتی خود می تواند با سکونت مرتبط باشد و از آنجا تجلی گاه مفهوم خانه باشد.

				بومب داشته است؟	
۲	طراحی مجتمع های اقامتی تفریحی و گردشگری با رویکرد معماری بومی	۱۳۹۴	- محدثه عبوری - فرزین نگارستان	۱- چه الگو در روند معماری مجموعه های اقامتی تفریحی و گردشگری به کار می رود؟ ۲- مجتمع های اقامتی تفریحی و گردشگری چه اهمیتی در صنعت گردشگری دارند؟	معماری بومی هر منطقه گنجینه ای ارزشمند برای آن منطقه محسوب می شود که عدم توجه به آن سبب از دست رفتن فرصت های اقتصادی و اجتماعی است.
۳	طراحی مجتمع های اقامتی - تفریحی و گردشگری با رویکرد معماری بومی در گیلان	۱۳۹۲	- الدوز فرجی - کیامر جوانمردی - سید جلیل میربازل	۱- فضاهای اقامتی - تفریحی و گردشگری چه نقشی در بازسازی ارزش های معماری منطقه ای و حفاظت از آن ها دارند؟ ۲- چگونه می توان با استفاده از معماری غنی موجود در منطقه، به طراحی مجموعه ای که معرف ارزش های معماری و فرهنگی برای افراد بومی و گردشگران غیر بومی باشد دست یافت؟	مجتمع های اقامتی - گردشگری و تفریحی موضوعی است که می توان به کمک آن توجه همگان را به زیبایی های پنهان نواحی جلب نمود. مجتمع های اقامتی - تفریحی با توجه به معمار خود می تواند به عنوان میانجی تولید کننده فرهنگ پایداری در نواحی روستا و حومه شهرها باشد.
۴	طراحی مجموعه تفریحی گردشگری با رویکرد معماری بومی در راستای توسعه گردشگری (نمونه موردی: تبریز)	۱۳۹۵	- شیما بهرامی راد - لیدا ایلیلان	۱- چرایی ساختمان های تفریحی و به کارگیری معماری بومگرا؟	توسعه گردشگری نقش بسزایی در توسعه منطقه و کشور خواهد داشت و منابع طبیعی، شرایط آب و هوایی، ایجاد و توسعه گردشگری می تواند در توسعه اقتصادی منطقه مؤثر واقع گردد.

گردشگری

گردشگری واژه ای است که از لغت فرانسوی «تور» (به معنی چرخش، پیمایش و گردش) مشتق شده است. اصطلاح «توریست» نیز برای نخستین بار در میان فرانسویان رایج گشت. در آغاز قرن نوزدهم میلادی در فرانسه، عادت بر این بود که نجیب زادگان و اشراف برای کسب تجربه و یادگیری، به سفر می رفتند. به این جوانان سفرکننده، عنوان «توریست» اطلاق می شد (رضانژاد و همکاران، ۱۳۹۹). در فرهنگ، حوزه گردشگری به مسافرت هایی اشاره دارد که به منظور تفریح و سرگرمی انجام می شود. سازمان ملل متحد در کنفرانس تجارت و توسعه، با استناد به تعریف جدید سازمان جهانی گردشگری، گردشگران بین المللی را این گونه

تعریف کرده است: فردی که بین دو یا چند کشور سفر می‌کند، به نحوی که از محل اقامت دائم خود بیش از یک روز و کمتر از یک سال به منظور تفریح، کسب و کار یا سایر اهداف دور باشد (لطفی، خامه چی، ۱۳۹۷). گردشگری به مجموعه فعالیت‌هایی اشاره دارد که فرد در سفر و محیطی غیر از محیط عادی خود، برای مدتی کمتر از ۲۴ ساعت و بیشتر از یک سال، انجام می‌دهد. هدف از این فعالیت‌ها می‌تواند سرگرمی، استراحت، ورزش، دیدار با خانواده و آشنایان، کسب و کار، مأموریت، شرکت در سمینار یا کنفرانس، درمان، مطالعه، تحقیق، فعالیت‌های مذهبی و امور مشابه باشد (هزارجریبی، ۱۳۹۶).

انواع گردشگری

سازمان جهانی گردشگری (WTO)، گردشگری را از ابعاد مختلف، در تعریف دیگری بر اساس تفاوت‌ها در رویکرد به مکان گردشگری، به صورت زیر تقسیم کرده است:

گردشگری داخلی یا بومی

گردشگری داخلی به کلیه مسافرت‌هایی اطلاق می‌گردد که در چهارچوب تعریف گردشگری و در داخل کشور صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، فعالیت‌های مربوط به گردشگری داخلی هیچ‌گونه محدودیت جغرافیایی را نمی‌شناسد. در نتیجه تأثیر عوامل مختلف، حجم گردشگری داخلی به مراتب بیش از گردشگری بین‌المللی می‌باشد (پازوکی و همکاران، ۱۳۹۵).

گردشگری خارجی یا بین‌المللی

امروزه، در اغلب کشورهای جهان، مردم به طور چشمگیری تمایل دارند که از کشورهای مختلف دیدن کنند. این تمایل ناشی از چند عامل اصلی است:

۱. ثروت بیکران کشورهای غربی که از طریق تکنولوژی صنعتی و در میان ملل شرقی، به ویژه ژاپن، از طریق فروش محصولات به سایر کشورها کسب شده است. این ثروتمندان تمایل دارند که بخشی از این ثروت را صرف سفر و تفریح در کشورهای مختلف کنند. برخی از آنان حتی اقدام به سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری می‌کنند.
۲. در بسیاری از کشورها، افراد از پوشش تأمین اجتماعی برخوردارند و از این حقیقت آگاهند که باید قبل از مرگ، از ثروت خود برای سفر به نقاط مختلف جهان و بهره‌گیری از پدیده‌های علمی، تاریخی و فرهنگی کشورهای دیگر استفاده کنند. یک نکته مهم این است که اغلب گردشگران، افراد مطالعه‌گر و آگاه از فرهنگ و تاریخ کشورهای باستانی چون ایران، هند و مصر هستند. در طول ۱۰ سال گذشته، فعالیت‌های جذب گردشگر در بسیاری از کشورها رو به توسعه و پیشرفت گذاشته است، به طوری که در برخی موارد، درآمد حاصل از این صنعت بیش از درآمد نفت و سایر منابع طبیعی بوده است (همان).

مراکز اقامتی

یکی از مهم‌ترین موضوعات در صنعت گردشگری، تأمین مراکز اقامتی مناسب برای گردشگران است. این مراکز می‌توانند از شکل استراحتگاه‌های بسیار مجلل تا محدود به یک تخت‌خواب معمولی و صبحانه ساده متنوع باشند (کاظمی، ۱۳۸۶). بر این اساس باید دانست که اسکان در اقامتگاه‌ها هدف اصلی یک گردشگر را تشکیل نمی‌دهد (رنجریان و زاهدی، ۱۳۸۹) و این امر منجر به ظهور خدمات ویژه‌ای با نام "خدمات اقامتی" شده است که با هدف فراهم آوردن تسهیلات خواب و استراحت در صنعت گردشگری و مهمانداری مطرح شده و در ادبیات مطالعات گردشگری به‌طور عام و گردشگری شهری به‌طور خاص گسترش یافته است (Smith, 1995).

بر این اساس بسیاری از نویسندگان از جمله: هالووی، مک اینتاش و گلدرن، سینکلر و استیبلر و غیره معتقدند که خدمات اسکان و پذیرایی در صنعت گردشگری یکی از پیچیده‌ترین و پویاترین بخش‌های این صنعت است (کاظمی، ۱۳۸۶). هر شهر بزرگ و مقصد گردشگری نیاز به مراکز اقامتی مجهز دارد و این یکی از نیازهای ثانویه بخش گردشگری به شمار می‌آید (موحد، ۱۳۸۶). هرچند همه گردشگران از مراکز اقامتی استفاده نمی‌کنند، اما به دلیل تنوع سلیقه و توانایی مالی گردشگران، شهر به انواع مراکز اقامتی برحسب درجات مختلف موردنیاز است. در واقع میزان تسهیلات و تشکیلات مراکز اقامتی، بازتابی از نیازها و سلیقه‌های مختلف مسافران و پویایی این بازار است (کاظمی، ۱۳۸۶). در این میان برنامه‌ریزان باید به جلب رضایت همه اقشار گردشگران توجه ویژه‌ای داشته باشند و در کنار هتل‌ها به مهمان‌پذیرها، کمپینگ‌ها و سایر مراکز اقامتی نیز توجه کنند. هرچند گردشگرانی که از هتل استفاده می‌کنند، بیشترین تأثیر اقتصادی را در صنعت گردشگری دارند، اما نباید از سایر مراکز اقامتی در شهرها غافل شد (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹).

اقامتگاه‌ها به طور کلی به دو دسته موقت و دائم تقسیم می‌شوند. اقامتگاه‌های موقت شامل چادرها و در گذشته چاپارخانه‌هایی بودند که ایستگاه‌های پستی محسوب می‌شدند و ساختمان‌های محقری داشتند. این چاپارخانه‌ها بیشتر با مصالح سنتی مانند خشت خام یا چینه ساخته شده و اغلب در داخل آبادی‌های بین راهی قرار داشتند. گاهی نیز بخشی از کاروانسراها به چاپارخانه اختصاص می‌یافت. امروزه، اقامتگاه‌های دائم همچون هتل‌ها و مسافرخانه‌ها جایگزین این نوع اقامتگاه‌های موقت شده‌اند.

دسته‌بندی انواع مراکز اقامتی

اقامتگاه‌ها در انواع مختلفی دسته‌بندی می‌شوند:

۱. براساس موقعیت جغرافیایی: درون‌شهری، برون‌شهری و غیره.
 ۲. براساس سبک معماری و استانداردهای فنی: بوتیک‌هتل، کاخ‌هتل و غیره.
 ۳. براساس اندازه و تعداد اتاق‌ها و مدت اقامت میهمان: پانسیون، سوئیت و غیره.
 ۴. خدمات، امکانات و تجهیزات موجود در هتل برای آسایش و رفاه میهمانان (مانند ستاره‌های تاج، الماس، گل و غیره)
 ۵. نوع برنامه غذایی ارائه شده در هتل، که می‌تواند شامل صبحانه، صبحانه با ناهار یا شام، یا بدون ارائه غذا باشد.
- این دسته‌بندی‌ها به مشخص کردن نوع و ویژگی‌های اقامتگاه برای مسافران کمک می‌کند تا بتوانند انتخاب مناسب‌تری داشته باشند (غلامی، ۱۳۹۸).

چگونگی مکان‌های اقامتی قزوین

بر اساس آخرین اطلاعات و آمارهای سال ۱۳۷۸، کل تأسیسات اقامتی در استان قزوین شامل ۳ باب هتل درجه‌بندی شده، ۱ واحد مهمانسرا و ۱۶ مرکز مهمانپذیر بوده است که مجموعاً دارای ۲۸۰ اتاق و ۷۵۰ تخت بوده‌اند. از این تعداد تخت، ۲۸.۸٪ متعلق به هتل‌ها و مهمانسراها و ۷۱.۲٪ به مراکز مهمانپذیر بوده است. در مجموع، ۱۵٪ از کل اماکن اقامتی استان، یعنی ۲ هتل در شهر قزوین و مهمانسرای تاکستان، درجه‌بندی شده‌اند. همچنین درجه هتل مرمر در شهر قزوین مشخص نبوده است. به عبارت دیگر، از مجموع تخت‌ها و اتاق‌های مراکز اقامتی استان، ۱۱۰ اتاق و ۲۱۶ تخت در ۴ هتل درجه‌بندی شده‌اند. این ارقام در مقایسه با آمارهای کل کشور، نشان‌دهنده ضعف‌های هتل‌داری و کمبود مراکز اقامتی در استان قزوین در مقایسه با استانداردهای ملی و جهانی است. سهم استان قزوین از کل هتل‌ها، اتاق‌ها و تخت‌های مراکز درجه‌بندی شده کشور به ترتیب ۰.۸٪، ۴.۵٪ و ۱.۸٪ بوده است. در جداول ۱-۲، ۲-۲ و ۲-۳ مراکز اقامتی از جمله هتل‌ها و مهمانپذیرهای درجه‌بندی شده در استان قزوین در مقایسه با کل کشور ارائه شده است. از هتل‌های درجه بندی شده استان قزوین، مهمانسرای تاکستان دارای درجه ۱، هتل‌های مرمر و البرز نیز به ترتیب دارای درجه‌های A₂ و T₂ هستند. این داده‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود ۲۰ واحد اقامتی در قزوین شامل هتل‌ها و مراکز مهمان‌پذیر، این استان فاقد حتی یک واحد اقامتی با درجه عالی و مطابق با استانداردهای جهانی می‌باشد. در این میان، شهرستان تاکستان با داشتن یک واحد مهمانسرا با ۲۰ تخت و ۲ مهمان‌پذیر با ۳۶ تخت، سهم ناچیزی معادل ۷.۵٪ از کل امکانات اقامتی استان را به خود اختصاص داده است. در مقابل، شهرستان قزوین به عنوان مرکز استان و مهم‌ترین کانون جمعیتی و فعالیت‌ها، دارای بخش عمده‌ای از مراکز اقامتی استان است، به‌طوری که ۹۲.۵٪ از کل تخت‌های هتل‌ها و مهمان‌پذیرهای استان در این شهر واقع شده است (گلشنی، ۱۳۹۶).

معماری بومی

جوزپه پاگانو^۱ برای این پدیده معماری، از اصطلاح "معماری خودجوش"^۲ استفاده کرد. وی در توضیح این اصطلاح نوشته است: "معماری خودجوش به معنای تصادفی بودن نیست، بلکه به معنای طبیعی بودن آن است. زیرا در این نوع معماری، هیچ چیز تصادفی نیست. برعکس، در هر انتخاب و تصمیمی، نهایت دقت و سختگیری به کار گرفته می‌شود. این امر برآمده از نیازها و ضرورت‌های معینی است که تنها جنبه‌های عملکردی و مادی ندارند" (فرکیش و همکاران، ۱۳۹۲). معماری بومی به عنوان یک گرایش معماری، تا نیمه قرن بیستم مورد توجه چندانی قرار نگرفته بود. مورخان معماری عمدتاً بر معماری رسمی^۳، علمی^۴ و یادمانی^۵ متمرکز بودند و هنر بومی یا "هنر خرد" تا آن زمان از مطالعات منظم محروم مانده بود. با گسترش تمدن‌ها و شکل‌گیری قدرت‌ها، اولین نمونه‌های معماری رسمی به معنای ساخت بناهای سفارشی توسط متخصصان پدید آمد. اما این موارد در مقابل ساخت وسازهای بومی بسیار محدود بودند. از دوره رنسانس و انسان‌گرایی به بعد، شاهد علائق و تمایل به بازگشت به سادگی، طبیعت و هنر بومی هستیم. این گرایش به معماری بومی در فاصله قرن‌های هجدهم و نوزدهم میلادی، همزمان با تحولات بنیادین

¹ Giuseppe Pagano

² Spontaneous Architecture

³ Polite

⁴ Academic

⁵ Monumental

در جهان کار و اقتصاد، خود را نشان داد. قرن نوزدهم شاهد تعریف جداگانه برای معماری رسمی (طراحی شده توسط معمار) و معماری بومی بود و این تمایز موجب توجه بیشتر به معماری بومی شد. همچنین رشد سریع شهرها و توسعه محیط‌های آکادمیک معماری در این قرن، نظریات متعددی را به وجود آورد و چهره شهرها را دگرگون ساخت (غلام‌علیزاده و حسن‌زاده، ۱۳۹۵).

در دوره معاصر، معماری رسمی گسترش چشمگیری یافت. اگرچه از نظر تعداد ساخت و سازها هنوز محدودتر از معماری بومی بود، اما به نظر می‌رسد از لحاظ حجم سرمایه در گردش، حداقل در کشورهای توسعه‌یافته، از معماری بومی پیشی گرفته بود. قرن بیستم، دوره مدرنیته بود، اما نیمه دوم این قرن شاهد بازگشت به اندیشه بومی‌گرایی بود. این موضوع ربطی به امروز ندارد و سابقه‌ای طولانی‌تر دارد. پس از جنگ جهانی دوم، در کشورهای در حال توسعه، شاهد رشد چشمگیر شهرها و حومه‌ها و بهینه‌سازی تسهیلات پیرامون شهرها بودیم، اما همچنان مالکیت خصوصی و خانه‌های شخصی در اکثریت بودند. این خانه‌های ساخته شده توسط صاحبان خود، رویکردی تازه در محیط شهری ایجاد کردند و به عنوان نوبومی‌ها از همه جنبه‌های معماری بومی بهره می‌بردند. بومی‌گرایی به عنوان روشی در برنامه‌ریزی معماری، از دهه ۱۹۶۰ به یک نگرش مهم در تفکر شهری و معماری تبدیل شد. در پایان این قرن، همچنان بخش قابل توجهی از مردم در ساختمان‌های بومی زندگی و کار می‌کردند. بناهای روستایی که به قرن بعد رسیده‌اند، حاکی از این مسئله هستند. هرچند با ظهور ساخت‌های صنعتی و نوین ممکن است تصور شود که جایی برای معماری سنتی و محلی باقی نمی‌ماند، اما در عمل بخش اعظم طرح‌های شهری و ساختمان‌های شهری هنوز معمارساز بوده و سازندگان حرفه‌ای نیز همچنان به ساخت بناهای بومی مشغول هستند (همان).

این معماری تا حد زیادی ناشناخته و کم مورد بحث قرار گرفته است که حتی در مورد نام دقیق آن اختلاف نظر وجود دارد. این معماری با پیشینه نامشخص، معماری باستانی تمدن‌های کهن را نیز بدون هیچ‌گونه مشخصات مکتوب توصیف می‌کند. ویژگی برجسته ساختمان‌های بومی این است که در آنها هیچ چیز اضافی وجود ندارد و راه حل‌ها، نتایج اساسی قرن‌ها تجربه هستند. معماری بومی را می‌توان با ویژگی‌هایی نظیر احترام به مردم و سکونتگاه‌های آنها و در نتیجه به کل محیط زیست طبیعی و انسان‌ساخت، کارکردی مشابه به لهجه محلی، متنوع و با سبک مشخص و در نهایت، هماهنگی با سایت و خرداقلیم‌ها توصیف کرد. این معماری، خانه‌های ساخته شده از مصالح موجود در محل را در برمی‌گیرد که براساس هویت محلی شکل گرفته‌اند و فرهنگ و سنت‌های منطقه‌ای را نشان داده و به عنوان آینه‌ای از جامعه و نیازهای انسان در زمانی خاص عمل می‌کنند. ساختمان‌های بومی، نشان‌دهنده نبوغ و مهارت و نوآوری‌های فراوان فنی و هنرمندی‌های چشمگیر هستند. روش‌های ساخت و ساز و فرم‌ها طی صدها سال، نسل به نسل تکامل یافته تا نیازهای موردنظر را برآورده سازند. اصول و فنون سنتی، از قواعد حل‌شده دقیق، نه تنها براساس نیازهای کاربران بلکه با توجه به محیط اطراف و حتی خواسته‌های بینندگان آن، تبعیت می‌کنند. معماری بومی براساس قوانین ابتدایی که نتیجه سادگی، فروتنی و سال‌ها تمرین و تجربه بود، شکل گرفته است. حکمت عمیق، پدران ما را به ایجاد اقامتگاه‌های مختلف برای تأمین نیازهای ابتدایی خود رهنمون ساخته است. هنرمندان و صنعتگران بومی نیز به موضوع طراحی، همراه با احترام به طبیعت و فروتنی در برابر محیط اطراف نگاه می‌کردند. (فرکیش و همکاران، ۱۳۹۲).

روش پژوهش

در مجموع، این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تمرکز بر معماری بومی، به دنبال طراحی مجتمع توریستی-اقامتی در شهر قزوین است که متناسب با ویژگی‌های محلی و فرهنگی این منطقه باشد. روند اصلی این تحقیق به شرح زیر است:

۱. مطالعات کتابخانه‌ای: در این بخش، اسناد و منابع مرتبط با موضوع معماری بومی گردآوری و مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعات به درک و تبیین موضوع پژوهش کمک کرده است.

۲. مطالعات موردی: در بخش‌های بعدی پژوهش، اطلاعات به صورت نمونه موردی جمع‌آوری شده است. این اطلاعات به شکل تصاویر و مستندات ارائه شده، و به عنوان تأییدی بر مبانی نظری و اسناد مربوطه مورد استفاده قرار گرفته است. این تحقیق با استفاده از روش‌های کیفی به بررسی و تجزیه و تحلیل یافته‌ها می‌پردازد. در بخش کیفی، نظریات، متون نوشتاری همراه با عکس، جدول و نقشه مورد بررسی قرار می‌گیرند. متن به صورت توصیفی-تحلیلی نگاشته می‌شود. از ابزارهای دیداری همچون جداول، عکس‌ها، دیاگرام‌ها و منحنی‌ها نیز برای ارائه یافته‌ها استفاده خواهد شد. این ابزارها علاوه بر تسهیل درک مطالب، به بصری‌سازی و تحلیل بصری داده‌ها کمک می‌کنند. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دو روش انجام می‌شود:

۱. تحلیل استنباط‌های توصیفی: در این روش از مبانی توصیفی و تئوریک برای تحلیل استفاده می‌شود.

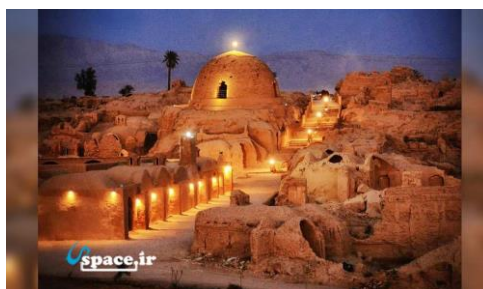
۲. تحلیل اسنادی و عقلانی: در این روش از نتایج حاصل از تحلیل‌های اسنادی و عقلانی استفاده می‌شود.

ارزشیابی اطلاعات نیز با استفاده از مقالات علمی جدید و بر اساس ضوابط طراحی به دست آمده از مطالعه مبانی نظری انجام می‌گیرد. در نهایت، تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق استدلال منطقی نگارنده انجام می‌شود.

بررسی و تحلیل نمونه‌های موردی

در این قسمت به بررسی و معرفی معماری‌های بومی معروف می‌پردازیم:

مجموعه اقامتی-تفریحی نخل و نرگس کریت در طبس:



شکل ۱: اقامتگاه بوم گردی نخل و نرگس کریت - طبس (URL7).

- این مجموعه با الهام از معماری بومی منطقه طبس طراحی شده است.
- استفاده از مصالح بومی مانند گل، خشت و سنگ در ساخت واحدهای اقامتی و مراکز تفریحی.
- ترکیب هندسه‌های ساده و بهره‌گیری از فضاهای باز درونگرا مانند حیاط‌های مرکزی.
- بهره‌گیری از عناصر بومی مانند سردابه‌ها، بادگیرها و آب‌نماها برای تهویه و خنک کردن فضاها.

- ادغام فضاهای داخلی و خارجی و ایجاد ارتباط بصری و فیزیکی میان آن‌ها.
- تطبیق با اقلیم گرم و خشک منطقه.

مجموعه اقامتی-تفریحی دهکده توریستی ملل شاندرمن ماسال در غرب استان گیلان:



شکل ۲: دهکده توریستی ملل شاندرمن ماسال در غرب استان گیلان (URL8).

- الهام از معماری محلی مازندران در طراحی واحدهای اقامتی و مراکز تفریحی.
 - استفاده از مصالح بومی مانند چوب، گل و سنگ در ساخت.
 - بهره‌گیری از فرم‌های ارگانیک و پیوستگی بصری میان فضاهای داخلی و خارجی.
 - ادغام عناصر طبیعی مانند درختان، آب و شیب زمین در طراحی.
 - تطبیق با اقلیم معتدل و مرطوب منطقه گیلان.
- در هر دو نمونه، طراحان با بررسی ویژگی‌های معماری بومی منطقه و شرایط اقلیمی، سعی در ایجاد مجموعه‌های اقامتی-تفریحی متناسب با بافت محلی و پایدار داشته‌اند. این رویکرد موجب ایجاد تجربیات غنی و بی‌واسطه برای مهمانان و بازدیدکنندگان می‌شود.

مجموعه اقامتی-تفریحی تبالا در بالی، اندونزی:



مجموعه اقامتی-تفریحی تبالا در بالی، اندونزی (URL9).

این مجموعه در منطقه کوهستانی و جنگلی بالی واقع شده و از اصول معماری سنتی بالی الهام گرفته است.

طراحی ساختمان‌ها با استفاده از مصالح بومی مانند چوب، سنگ و نیشکر، به ایجاد فضاهای باز و ارتباط با طبیعت کمک کرده است.

به کارگیری سقف‌های شیب‌دار با مصالح محلی و استفاده از تهویه طبیعی برای کاهش مصرف انرژی در ساختمان‌ها. طراحی فضاهای داخلی با استفاده از عناصر دکوراتیو و هنری بومی بالی.

مجموعه اقامتی - تفریحی چانگ ماینگ در تایلند:



مجموعه اقامتی - تفریحی چانگ ماینگ در تایلند (URL10).

این مجموعه در منطقه کوهستانی تایلند واقع شده و از معماری سنتی تایلندی الهام گرفته است.

استفاده از مصالح بومی مانند چوب و گیاهان بافتی در ساخت ساختمان‌ها.

طراحی فضاهای باز و ارتباط مستقیم با باغ‌های محلی اطراف.

به کارگیری تکنیک‌های بومی در تهویه و کنترل دما در ساختمان‌ها.

ادغام عناصر دکوراتیو و هنری سنتی تایلندی در فضاهای داخلی.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که در کشورهای مختلف، معماری بومی به عنوان الهام‌بخش طراحی مجموعه‌های اقامتی تفریحی مورد استفاده قرار گرفته است. این رویکرد علاوه بر ایجاد تجربه‌ای فرهنگی برای مهمانان، به حفظ و ارتقای معماری محلی و ادغام ساختمان‌ها با محیط طبیعی اطراف نیز کمک می‌کند.

جدول ۱: نتایج به دست آمده از تحلیل نمونه‌های موردی مجموعه‌های اقامتی - تفریحی

نمونه‌ها	اصول معماری بومی				دستاوردها
	پرهیز از بیهودگی	خودبسندگی	طراحی اقلیمی	طبیعت معدنار	
چانگ ماینگ (تایلند)		استفاده از چوب و نی			ساختمان‌ها با سایبان‌های گسترده برای مناسب با آب و هوای گرم و مرطوب منطقه، فضاهای باز پیرامونی و مسیرهای پیاده، استفاده از نقوش و پرده‌های سنتی
تبالا (بالی، اندونزی)		استفاده از مصالح طبیعی مانند چوب و نی			ساختمان‌ها با سقف‌های شیب‌دار برای مناسب با آب و هوای گرم و مرطوب منطقه، فضاهای باز مرکزی و محور دسترسی‌های پیاده، استفاده از نقوش و کنده‌کاری‌های سنتی
دهکده توریستی ملل (گیلان)		استفاده از چوب و نی			ساختمان‌ها با بام شیب‌دار برای مناسب با آب و هوای معتدل و مرطوب منطقه، فضاهای باز مرکزی و محور دسترسی‌های پیاده، استفاده از نمادهای بومی (مانند کاله فرنگی)
نخل و نرگس کریت (طبس)		استفاده از خشت و سنگ			ساختمان‌ها با بام شیروانی برای مناسب با آب و هوای گرم و خشک منطقه، فضاهای باز و محصور برای استفاده از طبیعت و خلوت، استفاده از کاشی کاری و آجرکاری

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، این چهار مجموعه اقامتی-تفریحی در استفاده از مصالح محلی، طراحی متناسب با اقلیم، الگوی فضایی و عناصر معماری سنتی، تلاش کرده‌اند تا با فرهنگ و بافت محلی خود همخوانی داشته باشند و تجربه اقامتی و تفریحی منحصر به فرد را برای مسافران ارائه دهند.

اصول معماری بومی قزوین

این چارچوب می‌تواند به عنوان یک راهنما برای بررسی و تحلیل تأثیر عوامل محیطی، فرهنگی و معماری بر طراحی و ساخت بناها استفاده شود. در این چارچوب، هریک از فاکتورها در قالب نظریه‌ها و اصول مختلف در نظر گرفته می‌شود. در ادامه چارچوب نظری پیشنهادی برای پژوهش آمده است:

۱. اقلیم و آب و هوا (جهت‌گیری باد و آفتاب)

نظریه‌های اقلیمی: مطابق با نظریه‌های اقلیمی و زیست‌محیطی (نظیر نظریه طراحی پایدار و انرژی‌های تجدیدپذیر)، اقلیم یکی از مهم‌ترین عوامل در طراحی معماری به شمار می‌رود. جهت‌گیری ساختمان‌ها و فضاها باید به گونه‌ای باشد که از مزایای باد و آفتاب بهره‌برداری کند و در عین حال از تأثیرات منفی این عوامل جلوگیری شود.

نظریه باد: استفاده از الگوهای باد به عنوان عامل تهویه طبیعی و جریان هوای مطلوب در طراحی فضاها. نظریه تابش آفتاب: جهت گیری فضاها بر اساس تحلیل تابش آفتاب و نورگیری بهینه برای کاهش مصرف انرژی و افزایش کیفیت زندگی.

۲. شیب و توپوگرافی زمین

نظریه طراحی بر اساس توپوگرافی: توپوگرافی و شیب زمین می تواند تأثیر زیادی بر نحوه طراحی فضاها و ساختمان ها و موقعیت یابی آن ها داشته باشد. به ویژه در معماری منظر و معماری پایدار، طراحی باید با ویژگی های طبیعی زمین هماهنگ باشد. نظریه سایت گرایی: طراحی ساختمان ها باید به گونه ای باشد که نسبت به توپوگرافی و شیب طبیعی زمین سازگاری داشته باشد و از اصول بهینه استفاده از زمین بهره ببرد.

مدل های هندسی در طراحی: استفاده از توپوگرافی برای جهت دهی به فضاها و رعایت جریان طبیعی آب های سطحی.

۳. توجه به طبیعت منطقه

نظریه معماری بومی و طبیعت گرایی: توجه به طبیعت و محیط زیست منطقه باید در طراحی معماری مدنظر قرار گیرد. این نظریه بر اهمیت حفظ تعادل با طبیعت و بهره برداری از منابع طبیعی به شیوه ای پایدار تأکید دارد. نظریه اکولوژی معماری: استفاده از معماری سبز که متکی بر استفاده از مصالح طبیعی، مدیریت انرژی و محافظت از اکوسیستم باشد.

نظریه هم زیستی: معماری باید به گونه ای باشد که محیط زیست و انسان ها در تعامل مثبت و سازگار با یکدیگر زندگی کنند.

۴. توجه به مصالح بوم آورد و محلی

نظریه معماری پایدار: استفاده از مصالح محلی که با ویژگی های اقلیمی و زیست محیطی هماهنگ باشند، به عنوان یک اصل در معماری پایدار مورد توجه قرار می گیرد. این مصالح معمولاً هزینه های کمتر و تأثیرات زیست محیطی کمتری دارند. نظریه استفاده از مصالح بوم آورد: استفاده از مصالح محلی به ویژه مصالح طبیعی، مانند سنگ، چوب و خاک، که علاوه بر مزایای اقتصادی، به پایداری معماری کمک می کند. نظریه کارایی انرژی: استفاده از مصالحی که قابلیت نگهداری انرژی را دارند، مثلاً عایق های طبیعی.

۵. توجه به سنت ها، فرهنگ و آیین منطقه

نظریه فرهنگ معماری: در هر منطقه، سنت ها و فرهنگ های بومی نقش اساسی در شکل دهی به ویژگی های معماری دارند. طراحی باید با توجه به فرهنگ، آداب و رسوم و نیازهای اجتماعی صورت گیرد.

نظریه تطابق معماری با فرهنگ محلی: طراحی باید با ارزش ها، باورها و آداب و رسوم مردم منطقه همخوانی داشته باشد.

نظریه زیبایی شناسی فرهنگی: انتخاب فرم ها و جزئیات معماری که نشان دهنده فرهنگ و تاریخ منطقه باشد.

۶. توجه به معماری متداول منطقه

نظریه معماری بومی: مطالعه و استفاده از ویژگی های معماری متداول در هر منطقه برای طراحی اصولی و کارآمد بسیار مهم است. این معماری معمولاً در پاسخ به شرایط اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی خاص طراحی شده است.

نظریه طراحی با الگوهای بومی: استفاده از فرم ها، مواد و تکنیک های بومی در طراحی که به منطقه هویت و یکپارچگی می بخشد.

نظریه تطبیق با محیط: معماری باید به گونه ای طراحی شود که در محیط بومی جای گیرد و به لحاظ بصری و عملکردی با بافت های موجود همخوانی داشته باشد.

۷. توجه به طبیعت منطقه (تکرار)

نظریه طراحی منظر: تاکید بر حفظ و استفاده از زیبایی‌شناسی طبیعت در طراحی فضاهای داخلی و خارجی. در این بخش، منظر طبیعی و آبی، پوشش گیاهی و سایر ویژگی‌های زیست‌محیطی باید به‌عنوان یک عامل الهام‌بخش در طراحی به کار رود. نظریه طراحی سبز و پایدار: استفاده از طبیعت در بهینه‌سازی طراحی فضاها و ارتباط آن‌ها با طبیعت به‌صورت ارگانیک و غیرمداخله‌ای.

آب و هوای قزوین

استان قزوین به دلیل داشتن ارتفاعات متعدد همچون رشته کوه البرز در شمال استان و گسترش آن در جهات شمال شرقی و شمال‌غربی و کوه‌های پراکنده در نقاط دیگر استان، شرایط مناسب زیست اقلیمی را داراست. مرتفع‌ترین کوه‌ها، سیالان با ارتفاع ۴۱۷۵ متر از سطح دریا و کی جگین با ۳۵۰۰ متر از سطح دریا و سفید کوه با ۲۳۰۰ متر از سطح دریا محدوده مرکزی و شرقی استان را تشکیل می‌دهد. که شیب آن از شمال‌غرب در جهت جنوب‌شرق امتداد یافته و ارتفاع پایین‌ترین نقطه آن ۱۱۳۰ متر از سطح دریاست و به دلیل همین شیب سطح آب‌های زیر زمینی در جنوب‌شرقی استان بالا می‌باشد. حداقل ارتفاع استان در شمال‌غرب در بخش طارم سفلی در کناره‌های دریاچه سفید رود با ارتفاع ۳۰۰ متر از سطح دریاست. استان قزوین به لحاظ شرایط طبیعی به دو ناحیه کوهستانی و دشتی تقسیم می‌شود. منطقه کوهستانی آن در شمال استان قرار دارد و دهستان‌های الموت، رودبار و قسمتی از کوهپایه اقبال و پشگلدره را در بر می‌گیرد.

پیشینه منطقه قزوین

تاریخ و پیشینه منطقه قزوین بر اساس مدارک و اسناد موجود، به دوره حکومت مادها در قرن هفتم پیش از میلاد باز می‌گردد. در آن زمان، بخش کوهستانی جنوب و جنوب غربی قزوین جزئی از قلمرو مادها محسوب می‌شده است. همچنین در منطقه قزوین، تعداد زیادی تپه باستانی وجود دارد که مطالعات نشان می‌دهد این نواحی در دوره ۶۰۰۰ تا ۴۵۰۰ سال پیش از میلاد، محل سکونت انسان‌ها بوده است. قزوین به دلیل قرارگیری در مسیر جاده ابریشم، علاوه بر مبادلات تجاری، تحت تأثیر فرهنگ، اندیشه و آداب و رسوم سایر ملل نیز قرار داشته است (شورمییج و همکاران، ۱۳۹۲). شهر قزوین توسط شاپور اول ساسانی برای جلوگیری از تهاجمات دیلمی‌ها بنیان نهاده شد. در دوره فتوحات اسلامی نیز این منطقه در سال ۲۴ هجری به تصرف مسلمانان درآمد. در قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم، قلمرو قزوین گسترده بوده و در تقسیم‌بندی کشوری دوره مغولان، به عنوان تومان (معادل استان) شناخته می‌شده است. در دوره صفویه نیز، شهر قزوین به دلیل موقعیت ویژه خود، دوباره رونق و آبادانی یافت و از سال ۹۵۵ تا ۱۰۰۰ هجری قمری پایتخت دولت صفوی بود (بختیاری، ۱۳۹۲).

معماری قزوین

با توجه به تاریخچه غنی و فرهنگ دیرینه شهر قزوین، معماری بومی این منطقه دارای ویژگی‌های خاص و قابل توجهی است. معماری بومی قزوین را می‌توان به شرح زیر توصیف کرد:

۱. معماری بومی شهر قزوین دارای ساختاری شعاعی ستاره‌ای بوده و در مرکز شهر بازار، مسجد، حمام و ارک قرار دارد. این محله‌ها با کوچه‌های باریک و طویل و واحدهای مسکونی به هم پیوسته مشخص می‌شوند. در گذشته، این واحدها به دلیل شرایط اقلیمی و تأمین آب از طریق قنات‌ها، پایین‌تر از سطح کوچه‌ها و معابر عمومی ساخته می‌شدند. در حال حاضر، نمونه‌هایی از این واحدهای مسکونی و تجاری با مصالح سنتی در بافت قدیمی شهر قابل مشاهده هستند (فتوحی قزوینی، ۱۳۹۳).

۲. در طراحی ساختمان‌های سنتی این منطقه، سطح خارجی ساختمان‌ها بسیار کم طراحی شده است. تعداد پنجره‌های مورد نیاز برای رساندن نور به فضاهای داخلی تعیین می‌شده و استفاده از مصالح تیره‌رنگ در نمای ساختمان‌ها با رعایت زبری مناسب در اجرا نیز مورد توجه قرار می‌گرفته است (فتوحی قزوینی، ۱۳۹۳).

۳. بناهای این منطقه به صورت متراکم و در کنار یکدیگر ساخته می‌شدند. استفاده از دیوارهای ضخیم و مصالح مقاوم در ساخت این ساختمان‌ها صورت می‌گرفت. همچنین طراحی دیوارها به صورت دو جداره و سقف‌ها با دو پوشش باعث ایجاد عایق‌بندی مناسب می‌شد (فتوحی قزوینی، ۱۳۹۳).

۴. در این منطقه، انتخاب مصالح ساختمانی با در نظر گرفتن دو عامل مهم انجام می‌شود: شرایط بحرانی هوای خارج و دمای مطلوب هوای داخلی. ابتدا، تحت شرایط سخت‌ترین آب و هوای بیرونی و سپس با در نظر گرفتن دمای دلخواه هوای داخل ساختمان، مناسب‌ترین نوع و مقدار مصالح محاسبه و انتخاب می‌گردد. در مناطق سرد، هدف اصلی حفظ گرما در داخل ساختمان است و مهم‌ترین عامل در این مورد، مقاومت حرارتی دیوارهای جانبی ساختمان است. بنابراین در این نواحی، ضروری است که دیوارهای جانبی ساختمان از مقاومت حرارتی مناسبی برخوردار باشند تا از اتلاف گرمای داخلی جلوگیری شود. این مقاومت حرارتی می‌تواند از طریق ایجاد دیوارهای ضخیم حاصل شود، اما برای ساختمان‌های کوچک می‌توان به جای آن از عایق حرارتی نیز استفاده نمود (مجیدی، ۱۳۹۶). استفاده از حیاط مرکزی، ایوان، طاق‌ها و گنبدها از جمله راهکارهای تطبیق با اقلیم محسوب می‌شوند.

۵. استفاده مناسب از نور روز و کنترل دریافت حرارت خورشیدی، می‌تواند به میزان قابل توجهی نیاز به روشنایی برقی و بار سرمایشی ساختمان را کاهش دهد. یکی از ویژگی‌های معماری بومی ایران، توجه به کنترل و بهره‌گیری از نور طبیعی بوده و برای این منظور، راهکارهای متنوعی ارائه شده است. عناصر نورگیری در معماری بومی ایران شامل دو گروه سایه‌اندازها و نورگیرها است. ارسی، یکی از انواع این نورگیرها می‌باشد که در بناهای متعددی از شهر قزوین مورد استفاده قرار گرفته است (گرچی مهربانی، ۱۳۹۵).

۶. ساختمان‌های بومی قزوین به گونه‌ای طراحی شده‌اند که با شرایط اقلیمی منطقه (سرد و خشک) تطابق دارند. به عنوان مثال، در مناطق قدیمی شهر، ساختمان‌ها معمولاً در سطح پایین‌تری نسبت به خیابان‌ها و کوچه‌های مجاور قرار دارند و با چند پله به داخل حیاط منتهی می‌شوند. این طراحی، به منظور مقابله با اثرات نامطلوب وزش بادهای جنوب شرقی کویر انجام شده است. در واقع، معماری بومی در این شهر، به صورت هوشمندانه‌ای با شرایط محیطی و آب و هوایی منطقه تطبیق یافته است تا از

آسیب‌های ناشی از آن جلوگیری کند. استفاده از حیاط مرکزی، ایوان، طاق‌ها و گنبدها از جمله راهکارهای تطبیق با اقلیم محسوب می‌شوند (فتوحی قزوینی، ۱۳۹۳).

۷. معماری بومی قزوین تلاش می‌کند تا با طبیعت پیرامون ادغام شود. در این معماری، عناصر طبیعی نظیر آب، گیاهان و فضاهای سبز به‌طور مؤثری با فضاهای ساخته شده ترکیب شده‌اند.

۸. در معماری قزوین، مصالح ساختمانی معمولاً شامل مواد سنتی همچون کاه و گل است و سطوح بیرونی ساختمان‌ها معمولاً با این مواد پوشیده می‌شود. در این نواحی، آجر و خشت همواره به عنوان اصلی‌ترین اجزای اسکلت ساختمانی به کار می‌روند. در مناطق جدیدتر شهر، معماری ساختمان‌ها و بافت شهری تحت تأثیر طراحی خانه‌های تهران قرار گرفته است. در این ساختمان‌ها، مصالحی همچون آهن، آجر، سیمان، سنگ و گچ استفاده شده است. این مصالح با شرایط آب و هوایی منطقه سازگاری بالایی دارند و در دسترس بوده‌اند (فتوحی قزوینی، ۱۳۹۳).

۹. رعایت اصول هندسی و تقارن: طرح‌های معماری بومی قزوین بر اساس اصول هندسی و تقارن طراحی شده‌اند. این اصول در چیدمان فضاها، تزئینات و نماها به وضوح قابل مشاهده است.

۱۰. معماری بومی قزوین علاوه بر رعایت کارکردها، به عناصر تزئینی و هنری نیز توجه ویژه‌ای داشته است. استفاده از کاشی کاری، نقش برجسته، آجرکاری و گچ بری در این معماری مشهود است.

۱۱. معماری بومی قزوین نه تنها به عنوان سرپناه، بلکه به عنوان فضایی برای تعامل اجتماعی و تجربه زیستی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. حیاط مرکزی، ایوان‌ها و دیگر فضاهای بیرونی، این امکان را فراهم می‌آورند.

در مجموع، معماری بومی قزوین نمونه‌ای برجسته از معماری سنتی ایرانی است که با هماهنگی و انطباق با محیط طبیعی و اقلیمی منطقه، به ارائه فضاهای زیستی مناسب و زیباشناختی توفیق یافته است.

نتیجه‌گیری

ارتباط گسترده معماری در رابطه با صنعت گردشگری در وهله اول به شکل مجموعه‌های اقامتی-تفریحی نمود می‌یابد. با کمی اغراق می‌توان گفت استقرار اغلب مجموعه‌های اقامتی موجود در کشور به دلیل اقتصادی، تاریخی، مذهبی، تفریحی و ... در مجاورت عنصر جذب‌کننده گردشگر می‌باشد و شاید مجموعه‌ای تفریحی-اقامتی داخل کشور نباشد که به دلیل ذات وجودی خود هدفی برای جذب گردشگر شود. عمده انتظارات توریست‌ها از یک مجموعه اقامتی-تفریحی محدود به سطح ارائه خدمات آن‌ها می‌شود و کمتر بنایی به علت نوع طراحی، ایجاد فضاهای خلاقانه و دیگر ویژگی‌های یک معماری خوب جذب توریست کرده باشد. (سلطانی و فروزنده، ۱۳۹۳) معماری بومی هر منطقه گنجینه‌ای ارزشمند برای آن منطقه محسوب می‌شود که عدم توجه به آن سبب از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی است جذب گردشگر از جمله امکاناتی است که توجه به معماری بومی در پی خود دارد که در نهایت منجر به پایداری اقتصادی شهرها و روستاها و توسعه آنها می‌گردد. این تحقیق دستیابی به الگوهایی برای ارتقا رابطه مجموعه اقامتی و صنعت توریسم می‌پردازد (عبوری و نگارستان، ۱۳۹۴).

معماری بومی در جهت طراحی اقامتی تفریحی ضوابط زیر را پیشرو دارد:

معماری بومی در طراحی مجموعه‌های اقامتی-تفریحی بر اساس ضوابط و اصول خاصی عمل می‌کند که به شرح زیر است:

۱. تطبیق با اقلیم و شرایط محیطی:

- استفاده از مصالح بومی و محلی
- بهره‌گیری از راه‌حل‌های اقلیمی برای تهویه و سرمایش
- طراحی فضاها در راستای جریان هوا و نور طبیعی
- ۲. انطباق با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی:
- الهام از الگوهای سنتی معماری و فضا سازی
- احترام به ارزش‌ها و سبک زندگی بومی
- ایجاد فضاها و جمعیت و خصوصی متناسب با فرهنگ محلی
- ۳. استفاده از فناوری‌های سنتی و بومی:
- به‌کارگیری تکنیک‌های ساخت سنتی (مانند آجرکاری، خشت‌کاری و...)
- استفاده از نظام‌های سنتی گرمایش و سرمایش (مانند سردابه، بادگیر و...)
- بهره‌گیری از مصالح بازیافتی و دوستدار محیط‌زیست
- ۴. تداوم و پیوستگی با محیط طبیعی:
- ادغام ساختمان با طبیعت و منظر پیرامون
- حفظ و احیای عناصر طبیعی موجود (درختان، آب و...)
- ایجاد فضاها و مکث و تماشای مناظر طبیعی
- ۵. پایداری و انعطاف‌پذیری:
- طراحی فضاها و سازه‌ها با قابلیت تغییر و دگرگونی
- به‌کارگیری راهکارهای کاهش مصرف انرژی و منابع
- استفاده از مصالح و فناوری‌های پایدار و دوام‌آور
- این اصول زمینه‌سازی برای طراحی مجموعه‌های اقامتی-تفریحی هماهنگ با هویت و ویژگی‌های محلی است.
- ۳- در مجموعه اقامتی تفریحی با توجه به اصول معماری بومی شاخص‌های زیر مورد نظر است؟
- در طراحی مجموعه‌های اقامتی-تفریحی بر اساس اصول معماری بومی، شاخص‌های مهمی مد نظر قرار می‌گیرند که عبارتند از:
- ۱. انطباق با اقلیم و محیط طبیعی:
- به‌کارگیری مصالح بومی و دوستدار محیط‌زیست
- طراحی فضاها متناسب با جریان باد و نور طبیعی
- استفاده از سیستم‌های انرژی‌بهره‌مند مانند بادگیر، سردابه و...
- ۲. حفظ و تقویت هویت فرهنگی:
- الهام از الگوهای سنتی معماری و بافت روستایی
- ایجاد فضاها و اجتماعات و جمعیت متناسب با فرهنگ بومی
- به‌کارگیری نمادها و نشانه‌های معنادار در طراحی
- ۳. ایجاد ارتباط با محیط پیرامون:

- ادغام ساختمان با طبیعت و منظر موجود
 - ایجاد فضاهای باز و نیمه‌باز برای تماشای مناظر
 - حفظ و احیای عناصر طبیعی موجود در سایت
 - ۴. پایداری و انعطاف‌پذیری:
 - استفاده از فناوری‌های سنتی و بومی در ساخت
 - طراحی فضاها با قابلیت تغییر و دگرگونی
 - به‌کارگیری راهکارهای کاهش مصرف انرژی و منابع
 - ۵. تلفیق عملکردها و فعالیت‌های اقامتی و تفریحی:
 - ایجاد تعادل بین فضاهای اقامتی و فضاهای تفریحی
 - ارائه تجربیات متنوع در بخش‌های مختلف مجموعه
 - طراحی فضاها و عناصر تشویق‌کننده تعامل و سرزندگی
- این شاخص‌ها زمینه‌ساز طراحی مجموعه‌های اقامتی-تفریحی با هویت بومی و پایدار است.

نگاهی به تاریخچه‌ی میهمانسراها و فضاهای اقامتی دوران پیشامدرن، به خوبی مشخص می‌کند که در آن دوره این فضاها همساز با الگوهای بومی منطقه‌ای خود و همبسته با خلق ناخودآگاه یک مکان اصیل وجود داشتند. حال آن‌که در دنیای مدرن، هتل‌ها و مسافرخانه‌ها نیز با تولید انبوه از مکان بودن فاصله گرفتند. با این نگاه، برای دستیابی به اصالت سکونت در یک منطقه، باید در فضایی سکنا پیدا کنیم که این خصوصیات را در خود متبلور کرده باشد و معماری بوم‌گرا به خوبی این خصلت را نمایان می‌کند.

منابع

۱. امانی، حمیدرضا. تقی‌زاده بفرویه، علی. محمدی، اکبر. طیبی نیا، عبدالرضا. (۱۳۹۷). فقر اقتصادی در مقابله با گردشگری شهری در راستای توسعه پایدار شهری با تأکید بر مدیریت شهری در کلانشهرها، اولین همایش بررسی چالش‌ها و ارائه راهکارهای نوین مدیریت شهری، تهران، سازمان بسیج شهرداری تهران.
۲. اهری، زهرا، (۱۳۹۱)، در جست و جوی زبان ایرانی سکونت. معماری و فرهنگ. سال چهاردهم، شماره ۴
۳. اکرمی، غلامرضا، (۱۳۸۹). فصلنامه مسکن و محیط روستا، رازهای معماری روستایی، شماره ۱۳۱. ۴۸-۲۵
۴. الوانی، م، اصول و مبانی جهانگردی "نشر رهنما، چاپ دوم، ص، ۴۳، ۱۳۷۹.
۵. اکبرزاده ابراهیمی، محمد حسن، رشد گردشگری محلی توسعه گردشگری شهری، مجله‌ی شهرداری‌ها، شماره ۷۸، ۱۳۸۶.
۶. اذان گو، ریحانه، (۱۳۹۸). طراحی مجموعه اقامتی گردشگری با رویکرد توسعه معماری میان‌افزا (نمونه موردی محله آخوند قزوین)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رجاء.
۷. آذرننگ، معصومه (۱۳۹۸). طراحی مجموعه اقامتی، گردشگری در شهرستان رودبار با رویکرد معماری بومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی مرکز لشت نشا - زیباکنار، گروه معماری.
۸. بورکهارت، تیتوس (۱۳۹۲). هنر مقدس (اصول و روش‌ها)، مترجم: جلال ستاری تهران: انتشارات سروش.
۹. بی‌نا، سرگذشت آموزش معماری در ایران، مجله آبادی، شماره ۲، تهران، ۱۳۷۰.
۱۰. بابایی، حمیدرضا، آفاق‌پور، آتوسا، فرجی، امین، نشریه: مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۴، ۶۳-۴۳.
۱۱. پازوکی حامد، امیرکلایی ابراهیم، جعفری امین، (۱۳۹۵). طراحی مجموعه تفریحی گردشگری با رویکرد معماری بومی در راستای توسعه گردشگری (نمونه موردی: شهرستان ساری)، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، دوره ۳. ص ۱۵-۱.
۱۲. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۸). سبک معماری ایرانی، مؤسسه انتشارات هنرهای اسلامی
۱۳. پازوکی، حامد، امیرکلایی، ابراهیم و جعفری، امین، طراحی مجموعه تفریحی گردشگری با رویکرد معماری بومی در راستای توسعه گردشگری (نمونه موردی: شهرستان ساری)، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، ۱۳۹۵.
۱۴. ترکمن‌نیا، نعیمه، قربانی، رسول، خوارزمی، امیدعلی، (۱۳۹۷)، ارزیابی سیستمی عوامل شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی کلانشهر مشهد، نشریه: جغرافیا و توسعه فضای شهری، شماره ۲، ۴۲-۲۳.
۱۵. خالقی عینک‌چی، ابوالفضل، (۱۴۰۱)، نقش مدیریت شهری در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مشهد نمونه موردی: شهرک صابر (نه دره)، نشریه: مدیریت پیشرفت، دوره ۵، شماره ۳، ۲۲-۱.
۱۶. دیبا، داراب، (۱۳۷۱). بررسی معماری ایران در روند فرهنگ و تاریخ، مجله علمی معماری و شهرسازی، شماره ۱۶، تهران.
۱۷. رضانژاد، مرضیه. موسی کاظمی، سید مهدی. رفیعیان، مجتبی. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۹). الگوی فضایی اندام‌وار احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری نمونه موردی: شهر بندرعباس، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ش ۱، ۸۱-۶۲.
۱۸. رنجبریان، بهرام و زاهدی، محمد (۱۳۸۹). بازاریابی گردشگری، اصفهان: انتشارا چهارباغ.

۱۹. رهنما، محمدرحیم، یعقوبی، مژگان (۱۴۰۱)، توانمندسازی سکونتگاه غیررسمی شهرک شهید رجایی مشهد، نشریه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، دوره ۳، شماره ۲، ۱-۲۴.
۲۰. زارعی قادیکلایی، سامره، (۱۳۹۴)، تأثیر فرهنگ بر معماری بومی، اولین کنفرانس سالانه مؤسسه آموزش عالی بینالود مشهد.
۲۱. سلطان‌زاده، حسین، (۱۳۷۱). فضاهای ورودی خانه‌های تهران قدیم، پژوهش‌های فرهنگی، شهرداری تهران.
۲۲. شجاعی، علیرضا. نوری، مهدی. (۱۳۹۶). نتایج همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت بر امنیت ملی، فصلنامه امنیت پژوهی، (۱۲)، ۷-۳۳-۰۱.
۲۳. شجیعی گیسور، مهدی، (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر در طراحی مجتمع مسکونی هوشمند، کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق رتبه بین‌المللی، ۳۹۹-۴۰۸.
۲۴. صادقی، میترا، (۱۳۹۷). طراحی مجموعه تفریحی - اقامتی عباس‌آباد همدان با رویکرد معماری بومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه سوره.
۲۵. صادق پی، ناهید (۱۳۹۱). تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی در غرب، کشورهای اسلامی و ایران، دو فصلنامه علمی معماری اقلیم گرم و خشک، دوره ۲، شماره ۲، ۷-۲۴.
۲۶. صانعی، بر معماری سنتی ایران چه گذشت؟ مجله‌ی ساختمان، شماره ۱۶، تهران، ۱۳۶۹.
۲۷. عبوری، محدثه و نگارستان، فرزین، طراحی مجتمع‌های اقامتی تفریحی و گردشگری با رویکرد معماری بومی، سومین کنفرانس بین‌المللی معماری و توسعه‌ی شهری، ۱۳۹۴.
۲۸. غلام‌علیزاده، حمزه و حسن‌زاده، متین (۱۳۹۵). بازتعریف تفاوت معماری بومی و معماری سنتی. دومین همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی در آغاز هزاره سوم. تهران: کنسرسیوم آناپافت شهر انجمن معماری و شهرسازی استان البرز، جامعه مهندسان شهرساز مؤسسه بناشهر پایدار - مؤسسه فرهنگی هنری سلوی نصر.
۲۹. غلامی، فرشته (۱۳۹۸). طراحی مجموعه تفریحی اقامتی تالاب شادگان با بهره‌گیری از الگوهای معماری بومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه غیرانتفاعی مهاروند آبادان.
۳۰. فرکیش، هیرو؛ کرکیان، نگار و احمدی، وحید (۱۳۹۲). شناخت اصول پایداری در معماری و شهرسازی بومی. همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار. مشهد: مؤسسه آموزش عالی خاوران.
۳۱. فرجی راد، ع، افتخاریان، ب، بررسی نقش معماری در صنعت گردشگری (مطالعه موردی: معماری ایران)، فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری، دوره ۱، شماره ۳ از صفحه ۴۹ تا صفحه ۶۷.
۳۲. فلامکی، محمدمنصور، ۱۳۷۴، باززنده‌سازی شهرها و بناهای تاریخی، تهران، دانشگاه تهران
۳۳. فرمانی انوشه، روشنگر (۱۳۹۶). طراحی مجموعه‌ی تفریحی و فرهنگی در منطقه باراجین قزوین با رویکرد معماری پایدار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
۳۴. فرشچی، حمیدرضا؛ طحانی، مینا (۱۳۹۸). استفاده از قابلیت‌های نور و رنگ در خانه‌های سالمندان در راستای ایجاد دلبستگی به مکان، معماری شناسی، شماره ۷، ۸۰-۷۲.

۳۵. قربانلو، حسن. (۱۳۹۴). بررسی جایگاه مشارکت شهروندان در حکمروایی خوب شهری با تأکید بر شهرداری اسلامشهر، همایش بین‌المللی جغرافیا و توسعه پایدار، به‌صورت الکترونیکی، مؤسسه سفیران فرهنگی مبین.
۳۶. قنوتی، آزاده (۱۳۹۷). اصول و مبانی طرح معماری میان‌افزا در بافت تاریخی قزوین با رویکرد اجتماع‌پذیری فرهنگی نمونه موردی: طرح معماری موزه تاریخ شهر قزوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مؤسسه آموزش عالی رسام، رشته مهندسی معماری.
۳۷. قزلباش، محمدرضا، ابوضیا، فرهاد، الفبای کالبدخانه سنتی یزد، وزارت برنامه بودجه، تهران، ۱۳۶۴.
۳۸. کمانرودی، موسی، کرمی، تاج‌الدین، زنگانه، احمد، حسین‌نژاد، محمدرضا، (۱۳۹۹)، پیامدهای فضایی توسعه سکونتگاه‌های غیر رسمی در حریم کلانشهر مشهد، نشریه: جغرافیای سیاسی، دوره ۵، شماره ۴، ۱۸-۱.
۳۹. کسمائی، مرتضی (۱۳۹۲). اقلیم و معماری، نشر: خاک، اصفهان.
۴۰. گلشنی، ندا، (۱۳۹۶). طراحی مجموعه اقامتی - توریستی و توسعه گردشگری شهر قزوین با رویکرد بازآفرینی الگوهای تاریخی شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان.
۴۱. گرجی مهلبانی، یوسف (۱۳۹۵). الگوی معماری ایرانی در قالب تالار شهر قزوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
۴۲. لطفی، حیدر. خامه چی، محسن. (۱۳۹۷). نقش امنیت در توسعه گردشگری زابل، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، - ۲۰.
۴۳. لاوسون، فرد، راوسون، جان، مبانی طراحی هتل، ترجمه فرزانه پایدار داریان، تهران: چاپ اول، انتشارات پردا، ۱۳۸۸.
۴۴. محمودنژاد، رضا. نصیری، اسماعیل. (۱۳۹۷). ارزیابی جاذبه‌های گردشگری شهری و نقش آن بر توسعه پایدار شهری بر اساس مدل SWOT (منطقه مورد مطالعه: شهرستان سقز)، فصلنامه پژوهش‌های علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، سال دوم - ش ۱۳ (۲۶ صفحه - از ۲۲۱ تا ۲۴۶).
۴۵. نیکنام، کامبیز. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر متقابل گردشگری شهری و گردشگری ورزشی در توسعه پایدار گردشگری و اقتصاد کلان شهرها، کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام، تبریز، دانشگاه تبریز - دانشگاه شهید مدنی آذربایجان - دانشگاه علمی کاربردی شهرداری.
۴۶. نعیمی طبیعی، نگار (۱۳۹۸). طرح احیاء خانه باقری ها به مهمانسرا با تأکید بر استفاده از نور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامسر، گروه هنر و معماری.
۴۷. موحد، علی (۱۳۸۶). گردشگری شهری، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.
۴۸. مجیدی، مرضیه، (۱۳۹۶). تأثیر اقلیم بر معماری پایدار در مناطق گرم و نیمه خشک، اولین همایش پژوهش‌های کاربردی در علوم جغرافیایی، سمنان، اسفند.
۴۹. نعمت‌الهی بناب، سیمین دخت، تحلیل جامعه‌شناختی ناپایداری توسعه شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی کلانشهرها (نمونه موردی شهر تبریز)، نشریه: مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۷، شماره ۲۶، ۵۱-۳۷. نصر، سید حسین (۱۳۹۷)، نیاز به علم مقدس، مترجم: حسین میاننداری قم: انتشارات طه،
۵۰. نوابخش، مهرداد، (۱۳۸۵)، روند تحولات شهر نشینی در ادوار تاریخی، فصل نامه جغرافیایی سرزمین، پاییز ۱۳۸۵

۵۱. وارثی، حمیدرضا؛ تقوایی، مسعود؛ شاهپوندی، احمد (۱۳۸۹) تحلیلی بر وضعیت زیرساختهای گردشگری در شهر اصفهان با تأکید بر هتلها، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال، ۲۲ شماره، ۴۴ صص. ۹۱-۱۱۲
۵۲. ویدبنگر، د. هتل در طول تاریخ، ترجمه شهنام محمود زاده، مجله معمار، ۱۳۸۶.
۵۳. هزارجریبی، جعفر. (۱۳۹۶). احساس امنیت اجتماعی از منظر گردشگری، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، مجله علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش، ۱ ص ۱۸-۱۳.
۵۴. هاشمی (۱۳۷۴). خانه و معماری روستایی، جلد ۲
۵۵. یوسفی، ناصح، (۱۳۸۵)، نقش طبیعت در شکل‌گیری معماری، ماهنامه آموزشی، پژوهشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی پیام سبز، سال ششم شماره ۱.

1. Bowen, H. E., & Daniels, M. J. (2010). Hostelling as a pathway to cross-cultural understanding. *Tourism Review International*, 14(4), 189-199.
2. Etemad, Gati (2012): "Physical features of marginal neighborhoods", collection of articles on marginalization and informal settlement, University of Welfare and Rehabilitation Sciences Publications. (in Persian)
3. Smith, S.J. (1995) *Tourism analysis*, 2nd edition, longman, harlow
4. Piran, Parviz (1987): "Sheltering in Tehran", *Economic-Political Information Magazine*, numbers 3 to 24. (in Persian)
5. Watson L. Urbanization and Identity Dissonance: A Guajiro Case, *American Anthropologist*; October 1972